

## پلیس در جست و جوی قاتل فراری

**توانستند سرخ هایی از جنایت به دست آورند.**

**رخ داد. در آن روز گزارش جنایتی در اختیار قاضی قرار گرفت و تیمی از کارآگاهان جنایی با دستور وی راهی قتلگاه شدند.**

**قربانی مردی جوان بودکه جسدش در کوچه ای در کوار کشف شده بود. آنطور که به‌نظر می‌رسید مقتول در جریان یک درگیری مسلحانه با شلیک گلوله به قتل رسیده بود.**

**اعضای خانواده قربانی در تحقیقات اظهار داشتند که چند شب پیش از جنایت، قربانی با فردی در گیر شده بود. به همین علت مقتول تصمیم به انتقام گرفت. آنطور که مشخص بود شب حادثه قاتل بار دیگر با او درگیر شده و با شلیک گلوله دست به جنایت زده و فرار می کند.**

**شروع تحقیقات**  
**جست‌وجوی کارآگاهان برای دستگیری مرد جنایتکار ادامه داشت و در شرایطی که هیچ‌گونه اطلاعاتی در خصوص هویت قاتل وجود نداشت، کارآگاهان پلیس آگاهی شهرستان کوار**



**پرونده جوانی که در پی اختلاف خانوادگی عموزاده خود را به ضرب گلوله کشته بود؛ وارد مرحله تازه ای شد.**

## صدور حکم واحد لیزر درمانی

### غیرمجاز در شیراز

مدیر کل تعزیرات حکومتی فارس از صدور حکم تعطیلی و ضبط اموال و تجهیزات یک مطب پزشکی غیرمجاز در شیراز خبر داد.

علی مشیری اظهار داشت: با گزارش بازرس ویژه دانشگاه علوم پزشکی مینی بر فعالیت غیرمجاز در یک مطب پزشکی واقع در شهر شیراز، موضوع جهت پیگیری به شعبه دهم تعزیرات حکومتی شیراز ارجاع شد.

وی از احضار چند نفر در این رابطه به تعزیرات خبر داد و تصریح کرد: طی تحقیقات انجام شده مشخص شد که در این مطب توسط افراد بدون صلاحیت اقدامات درمانی به وسیله دستگاه لیزر انجام شده که در چند مورد نیز موجب آسیب رساندن به بیماران شده است.

مشیری با اشاره به محرز شدن تخلف انجام شده در این مطب، اضافه کرد: نهایتاً شعبه رسیدگی حکم به تعطیلی این واحد غیر مجاز و ضبط دو دستگاه لیزر مکشوفه صادر کرد. مدیر کل تعزیرات حکومتی فارس افزود: با افراد و مراکز غیرمجازی که قصد به خطر انداختن سلامت جامعه را داشته باشند به شدت برخورد می‌کنیم و به متخلفان حوزه سلامت به جد اخطار شده است.

## مرگ پسر دستفروش هنگام فرار از دست زورگیران



پسر جوان که از سوی زورگیران با چاقو مجروح شده بود هنگام فرار از دست آنها با یک خودرو کامیون تصادف کرد و جان باخت. هفته گذشته وقوع تصادفی مرگبار در بزرگراه فتح به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد. به‌دنبال اعلام این خبر تحقیقات آغاز و در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که پدر و پسری که فروشنده دوره گرد بدلیجات بودند از میدان آزادی به مقصد شهر قدس سوار برخوردرو پراید عبوری شده بودند اما بین راه و در فاصله ۲۰۰ متری پلی کفش ملی، راننده و سرشنسین دیگر پراید با چاقو به آنها حمله کرده و قصد زورگیری از پدر و پسر را داشته‌اند. سارقان وقتی با مقاومت پدر و پسر مواجه شدند با چاقو چندین ضربه به آنها زدند.

در این درگیری ابتدا مرد میانسال و بعد از آن پسر ۳۲ ساله‌ای موفق شدند خود را از خودرو پراید بیرون انداخته و فرار کنند. اما پسر جوان در حالی که شدت مجروح شده بود، ناگهان با کامیونی که در حال عبور از بزرگراه بود تصادف کرد. راننده کامیون بعد از این تصادف از محل متواری شد. اما مرد میانسال برای درمان به بیمارستان منتقل شده و پاتوجه به اینکه تصادف بسیار شدید بود جسد برای مشخص شدن این موضوع که پسر جوان قبل از تصادف جان خود را از دست داده یا بر اثر برخورد با کامیون جان باخته است، به پزشکی قانونی منتقل شد. کارآگاهان پلیس تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری زورگیران و راننده کامیون فراری آغاز کرده‌اند.

داماد ۳۴ ساله ای که به خاطر اصابت گلوله های متعدد ساچمه ای از سلاح وینچستر زیر عمل های جراحی قرار گرفته است، در اولین دقیق وقوع این سانحه وحشتناک مدعی شد: خانواده عروس به سوش شلیک کرده اند! ماجرای این حادثه تلخ هنگامی رخ داد که جوان ۳۴ ساله ای بدون توجه به اطرافش، خودروی ۲۰۶ را در یکی از کوچه های تاریک بولوار ابوطالب مشهد پارک کرد اما به محض این که از خودرو پیاده شد ناگهان صدای شلیک گلوله های ساچمه ای، سکوت شب را شکست و فضای دلهره آوری ایجاد کرد.

بخشی از گلوله های پراکنده در سروصورت و بازوی جوان مذکور جاجوش کرد و تعداد دیگری نیز به بدنه خودرو نشست! دو همین حال جوان مجروح سرنوشتیانی پرابدی را دید که بعد از شلیک گلوله به سوی او، با سرعت سرسام آوری از محل گریختند. چند لحظه بعد شهروندان و رهگذران با مشاهده وضعیت وخیم راننده پژو که غرق در خون در کنار دیوار یک منزل مسکونی افتاده بود، بلافاصله با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتند و ماجرای شلیک های خونبار را اطلاع دادند.

در پی اعلام این گزارش، بی درنگ نیروهای کلانتری شفا به سرپرستی سرگرد عمارلو (جانشمین کلانتری) شبانه عازم بولوار ابوطالب شدند و به یاری مصدوم شتافتند. یکی از نیروهای انتظامی که در رشته پرستاری تحصیل کرده بود، با کمک دیگر همکارانش اقدامات اولیه درمانی را در حالی آغاز کرد که پیکر بی رمق راننده پژو همچنان غرق در خون بود!

دقایقی بعد با هماهنگی نیروهای انتظامی، عوامل اورژانس ۱۱۵ نیز به محل حادثه رسیدند و جوان مصدوم را به مرکز درمانی انتقال دادند اما کادر پزشکی با مشاهده وضع وخیم فرد مجروح بلافاصله او را به اتاق عمل بردند و این گونه وی مورد عمل های جراحی قرار گرفت به طوری که تاکنون چندین گلوله ساچمه‌ای از سروصورتش خارج شده است اما او همچنان تحت مداوا قرار دارد.

به دنبال وقوع شلیک های خونبار در بولوار ابوطالب، فرمانده انتظامی مشهد درباره علت و چگونگی این حادثه تاسف بار گفت: مصدوم حادثه با حضور به موقع نیروهای انتظامی و انجام اقدامات اولیه درمانی از مرگ نجات یافت اما هنوز برای روند امور درمانی در بیمارستان بستری است.

سرهنگ عباس صارمی ساداتی افزود: همزمان با انتقال مصدوم به مرکز درمانی، تحقیقات گسترده شبانه پلیس با توجه به اهمیت موضوع با هماهنگی قاضی نعمتی

(قاضی کشیک) آغاز شد چرا که جوان مجروح در همان لحظات اولیه وقوع این حادثه مدعی شد بود خانواده همسرش (پدر و دو برادرزانش) در تاریکی شب کمین کرده بودند که به طور غافلگیرانه و ناگهانی به سوی وی شلیک کرده و سوار بر یک دستگاه پراید از محل گریخته اند!

رئیس پلیس مشهد در ادامه گفت: جست‌وجوی نیروهای کلانتری شفا در محل وقوع جرم به کشف بوکه های سلاح وینچستر انجامید و تلاش برای دستگیری ضاربان با کسب مجوزهای قضایی درحالی ادامه یافت که جوان ۳۴ ساله مجروح مدعی بود: هنوز چند ماه بیشتر از ازدواجش نمی گذرد که با خانواده عروس دچار اختلافات شدیدی خانوادگی شده اند و پرونده‌ای نیز در حال رسیدگی دارند!

وی افزود: این کشمکش‌های خانوادگی به جایی رسید که طبق ادعای شاکي، خانواده عروس به قصد زهرچشم به سوش شلیک کرده اند!

سرهنگ صارمی ساداتی با اشاره به این که رصدهای اطلاعاتی پلیس برای شناسایی ضاربان به بولوار توس مشهد کشید، تصریح کرد: نیروهای اطلاعاتی شبانه، محل سکونت متهمان به شلیک گلوله را شناسایی و پدر عروس را به همراه یکی از

## جراحی بینی با تضمین نقص عضو!

جراح زیبایی که بینی سه زن را ناقص کرده بود در حالی پای میز محاکمه ایستاد که دو نفر از شاکی‌های این پرونده با دریافت پول رضایت دادند. سال گذشته دختر ۳۲ ساله‌ای با مراجعه به دادسرای جرایم پزشکی دارویی (ناحیه ۱۹) تهران با ارائه مدارکی مدعی شد پس از جراحی بینی‌اش در یک کلینیک زیبایی دچار مشکلات حاد تنفسی شده و از پزشک جراحش شکایت دارد.

«فروش» وقتی مقابل بازپرس پرونده قرار گرفت، گفت: من دو بار جراحی بینی کرده بودم اما از نتیجه کار راضی نبودم. با دیدن تبلیغات یک پزشک زیبایی به مطبش در یکی از کلینیک‌های شمال تهران رفتم.

بعد از مشاوره وقت جراحی گذاشت و دو هفته بعد جراحی انجام شد اما هر روز به‌جای بهبودی شرایطم وخیم‌تر می‌شد و درد و خونریزی داشتم. وقتی بینی‌ام را بازکردند از دیدن مدل آن جا خوردم اما پزشکم از من می‌خواست که صبر داشته باشم. با حاد شدن وضعیت جسمانی‌ام پیش پزشک دیگری رفتم و آنجا بود که فهمیدم علاوه بر غیرقربنیگی سوراخ بینی، دفرمگی، نبود تقارن نیم رخ‌ها و انحراف میانه بینی، دچار انحراف چهار سنوس، آسیب مجرای اشکی و تورم سقف دهان نیز شدم.

پرونده این دختر به دستور بازپرس به کمیسیون فرستاده شد و در نخستین جلسه کارشناسی، پزشک معالج را به میزان ۱۰ درصد مقصر اعلام کردند.

### دختری با بینی جدا شده

همزمان با آغاز رسیدگی به این پرونده، دختر جوان دیگری نیز به دادسرای ناحیه ۱۹ تهران رفت و از همین پزشک به‌دلیل آسیب به بینی‌اش شکایت کرد. این دختر به بازپرس پرونده گفت: این پزشک در کلینیک معروفی کار می‌کرد.

پس از دو هفته از جراحی و کشیدن بخیه‌ها، در کمال ناباوری متوجه شدم زیر بینی‌ام پیوند نخورده و از صورتم جدا شد.

خلی ترسیده بودم و با دکترم تماس گرفتم و بلافاصله به مطبش رفتم. او آن روز بینی‌ام را پانسمان کرد و قرار شد جراحی ترمیمی انجام دهد. این جراحی در دو مرحله انجام شد اما حالا هم بینی‌ام دفرمه شده و هم گوشه اضافه آورده است.

پرونده این شکایت نیز برای تعیین میزان تقصیر پزشک به پزشکی قانونی فرستاده شد و این بار نیز کمیسیون سه نفره پس از بررسی شواهد و مدارک و معاینه بیمار، از بین رفتن سنوس بینی را تقصیر نامدارک تشخیص داد و پزشک را به میزان ۱۰ درصد مقصر شناخت.

این پرونده با اعتراض متهم به کمیسیون ۵ نفره ارسال شد و آنها نیز رأی را تأیید کردند. اما در نهایت پرونده با توافق طرفین و پرداخت خسارت به دو دختر جوان از سوی پزشک جراح قرار موقوفی تعقیب خورد. سومین شکایت

در حالی که پرونده دو دختر جوان با اعلام رضایت هر دویشان در همان مرحله دادسرا مختومه اعلام شد، پزشک زیبایی‌با شکایت دختر جوان دیگری برای سومین بار به دادسرا احضار شد.

این دختر که پس از جراحی دچار مشکلات حاد تنفسی و بدفرمی بینی شده بود به کمیسیون پزشکی فرستاده شد و اعضای کمیسیون در دو مرحله قصور ۵۰ درصدی پزشک را تأیید کردند.

وکیل متهم که تلاش زیادی برای گرفتن رضایت از شاکی کرده بود، وقتی نتوانست او را از ادامه شکایت منصرف کند، در لایحه‌ای که به بازپرس ارائه کرد، مدعی شد این دختر برای رضایت یک چک چند میلیونی از پزشک دریافت کرده اما از آنجا که وکیل متهم نتوانست این موضوع را ثابت کند پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰۴۳ دادگاه کیفری ۲ (مجمع شهید قدوسی) به ریاست قاضی محبوب افراسیاب ارسال شد.

قاضی پس از بررسی شواهد و شنیدن اظهارات طرفین، پزشکی متخلف را به پرداخت ۲۵ درصد دیه کامل از جهت ارش قصور پزشکی محکوم کرد.



برادرانش دستگیر کردند اما برادر دیگر که یکی از متهمان این پرونده به شمار می‌رود در محل حضور نداشت!

به گفته فرمانده با تجربه مشهد، دو متهم ۴۵ و ۲۱ ساله درحالی با دستور قاضی شعبه ۲۱۵ دادسرای عمومی و انقلاب در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفته‌اند که بررسی‌های بیشتر درباره نقش متهمان مورد ادعای شاکي در شلیک های خونبار، همچنان ادامه دارد.

## محکومیت مرد خیاط به شلاق و تبعید

مرد خیاط که از دو سال قبل به اتهام ارتباط پنهانی با زن جوان بازداشت شده است به شلاق و تبعید محکوم شد.

رسیدگی به پرونده از اوایل سال ۹۶، با طرح شکایت مرد میانسالی علیه مرد خیاط در پلیس تهران به جریان افتاد. او در توضیح ماجرا گفت: من و همسر صاحب دو فرزند هستیم، اما از همان ابتدای زندگی به هم اختلاف داشتیم تا اینکه چندی قبل زیا قهر کرد و هر چه او صحبت کردم، قبول نکرد به خانه برگردد. به همین دلیل ناچار شدم برایش خانه‌ای اجاره کنم و خودم هر بار به خاطر فرزندانم به ملاقات آن‌ها می‌رفتم. مرد میانسال ادامه داد: همسرم در یک کارگاه خیاطی کار می‌کرد و زمانی که برای آخرین بار به دیدن چچه‌ایم رفتم بودم از پسرم شنیدم که همسر با صاحب کارگاه که مردی به نام رضا است ارتباط دارد. من عصبانی شدم و از همسرم خواستم در این مورد توضیح دهد. او ادعا کرد که رضا او را فریب داده‌است. از همسرم خواستم تا از رضا شکایت کند، اما همان شب همسر با خوردن قرص خودکشی کرد و فوت شد.

با طرح این شکایت رضا بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او به مأموران گفت: مدتی بود که زیا در کارگاه من کار می‌کرد تا اینکه تصمیم گرفتم به صورت شرارکتی یک کارگاه تولیدی راه‌اندازی کنیم. او می‌گفت مطلقه است و همراه فرزندش تنها زندگی می‌کند به همین خاطر به او علاقه‌مند شدم. متهم ادامه داد: بعد از این مدتی شرارکت ما به هم خورد به همین خاطر از او خواستم پولی که هزینه کردم را پس دهد، اما او زیر بار نمی‌رفت تا اینکه مجبور شدم ماجرای ارتباطمان را با پسرش مطرح کنم تا تحت فشار قرار بگیرد و پولم را پس دهد.

بعد از اقرارهای متهم، پرونده به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه رسیدگی هیات قضایی رضا را مجرم شناخته و او را به اعدام محکوم کردند، اما این حکم با اعتراض متهم در دیوان عالی کشور نقض و به همان شعبه ارجاع داده شد.

بنابراین متهم بار دیگر در همان شعبه به ریاست قاضی رحمانی پای میز محاکمه قرار گرفت. او بعد از درخواست اشد مجازات از سوی شاکي در آخرین دفاعش گفت: متوفی گفته بود مطلقه است و خودش شاکرا ابراز علاقه کرده‌بود، اما این رابطه به خاطر اختلاف در شرارکت کاری به هم خورد و من متحمل خسارت زیادی شدم، اما او برای برگرداندن پول‌هایم ظفره می‌رفت. فکر کردم اگر ماجرای ارتباط را به پسرش بگویم او طلبم را پس می‌دهد. باور کنید نمی‌دانستم این کار به قیمت جان او تمام می‌شود و پشیمانم.

در پایان هیات قضایی بعد از شور متهم را از اتهام تجاوز به عنف تبرئه و وی را به خاطر رابطه نامشروع به ۱۰۰ ضربه شلاق و دو سال تبعید محکوم کرد.

ازدواج و ساعت میچام را به زور از دستم خارج کرد و پس از آن کیفم که داخل آن ۲ دستگاه تلفن همراه و کارت‌های اعتباری‌م بود را هم از من گرفت.

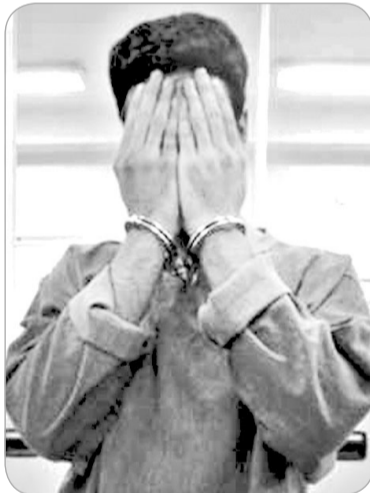
این مالباخته در ادامه افزود: آنها با زور رمز عبایر بانک‌هایم را هم گرفتند و با مراجعه به خودپردازها و فروشگاه‌ها وجود آن را برداشت کردند. پس از آن مرد زورگیر گوشی‌هایم را به زنی که همدانشان بود داد و او هم با بررسی پیامک‌های بانکی‌ام متوجه شد که یک کارت دیگر هم دارم و مبالغ قابل توجهی در داخل حسابم هست به همین خاطر من را مجبور کردند تا با خانواده‌ام تماس بگیرم و از آنها بخواهم تا مبلغ آن حساب را به یکی از کارت‌هایی که همراهم بود واریز کنند.

اما وقتی خبری نشد در نهایت حوالی ساعت ۱۱ شب به من گفتند که آدرس خانه ات را بده تا تو را به آنجا ببریم و خودت پول‌ها را به‌کارتی

## اعتراف دروغین برای فرار از دست هم سلولی‌ها

هم‌بندی‌هایم مرا اذیت می‌کردند و گاهی اوقات کتکم می‌زدند، حتی به من می‌گفتند باید دستشویی‌ها را تمیز کنم و لباس‌ها و ظرف‌هایشان را بشویم. آنقدر در این مدتی که در زندان بودم اذیت شدم که تصمیم گرفتم راهی برای فرار از زندان پیدا کنم. متهم جوامن گفت: یک شب فکری به ذهنم رسید تصمیم گرفتم به یک قتل دروغین اعتراض کنم تا مرا از این زندان به زندان دیگری ببرند. اگر شناسنی می‌آوردم و مرا به زندان تهران می‌بردند با دایم‌ام که به اتهام سرقت در زندان به سر می‌برد هم زندانی می‌شدم و او از من حمایت می‌کرد. اگر هم حرفم را باور نمی‌کردند حداقل اش این بود که من سمن اتهام دیوانگی می‌زدند و مرا به بیمارستان روانی می‌بردند.

او ادامه داد: با خودم گفتمم بالاخره با این اعتراف دروغین از این زندان نجات پیدا می‌کنی و این بهترین اتفاقی است که می‌تواند در زندگی ات رخ دهد. برای همین دستم به کار شدم و نامه‌ای برای دادسرای جنایی تهران نوشتم و به دروغ گفتم که یکی از مالباختگان را با چاقو به قتل رسانده‌ام. به‌دنبال اظهارات متهم جوان و با مشخص شدن این موضوع که او جنایتی مرتکب نشده است، مرد جوان دوباره به زندان برگشت.



رو آوردم. بعد از آن هم برای تأمین هزینه موادم دست به دزدی و زورگیری زدم. او ادامه داد: به همراه یکی از دوستانم سوار بر موتورسیکلت شده و به سراغ مغازه‌دارها با عابران می‌رفتیم و با تهدید مدتی ازدواج کردند و من هم که با پدرم زندگی می‌کردم، مجبور شدم نامادری را تحمل کنم. در این مدت خیلی اذیت شدم و به خاطر فقرات‌های دوران کودکی و نبود مادر و مشکلاتی که با نامادری‌ام داشتم به اعتیاد

سارق زندانی که با ارسال نامه‌ای به دادسرا مدعی ارتکاب قتل شده بود در بازجویی‌ها انگیزه‌اش را از نوشتن این نامه فرار از شرایط بد زندان اعلام کرد. چندی پیش مرد جوانی به اتهام سرقت از مغازه‌ها و عابران بازداشت شد. او زمانی که برای تحمل مجازاتش در زندان به سر می‌برد نامه‌ای به دادسرای جنایی نوشت و مدعی شد که یکی از مالباخته‌هایش را با چاقو به قتل رسانده است.

به دنبال این ادعا بود که بازپرس جنایی خواهان انتقال متهم از زندان کرج به دادسرای امور جنایی تهران شد. از سویی در تحقیقات پلیسی نیز مشخص شد اصلاً چنین قتلی رخ نداده است. با این حال وی برای بازجویی به دادسرا رفت.

### اعتراف دروغین

مرد جوان وقتی مقابل بازپرس جنایی ایستاد در حالی که به ادعای دروغین خود اعتراف می‌کرد، گفت: سال‌ها قیبل پدر و مادرم از من جدا شدند. هر دو آنها بعد از مدتی ازدواج کردند و من هم که با پدرم زندگی می‌کردم، مجبور شدم نامادری را تحمل کنم. در این مدت خیلی اذیت شدم و به خاطر فقرات‌های دوران کودکی و نبود مادر و مشکلاتی که با نامادری‌ام داشتم به اعتیاد

## دزدی به خاطر

### عروسی

**مرد آمریکایی که به بانک مرکزی تگزاس دستبرد زده، مدعی شد به خاطر پول مواسم عروسی اش مجبور به سرقت شده است. به‌گزارش وایرد، این مرد آمریکایی که هویتش فاش نشده پس از دستگیری ادعا کرده چون پولی برای خرید حلقه از دوواج اجاره محلی برای عروسی نداشته از بانک مرکزی تگزاس سرقت مسلحانه انجام داده است. متهم پس از ورود در بانک و تهدید کارکنان، پول‌های نقد را برداشته و پا به فرار گذاشته است. وی در بازجویی‌ها گفت: فقط به اندازه پول خرید حلقه و مواسم عروسی از بانک سرقت کرده است.**

مرد ضرور که با همدستی همسر صیغه‌ای خود و دوستش به بهانه مسافرتکشی از مردم زورگیری می‌کردند با قرار وثیقه‌های ۳ میلیاردی روانه زندان شدند.

روزی دهم شهریور زن جوانی به کلانتری ۱۵۲ خانی آباد رفت و گفت: از رویه‌روی ایستگاه مترو شهروک شرعیته به‌عنوان مسافر سوار یک دستگاه خودرو سواری سمند سفید شدم. غیر از راننده یک مرد روی صندلی عقب خانمی هم در صندلی جلو نشسته بود و همین مسأله خیالم را راحت کرد که خودرو مسافرتکش است.

در طول مسیر راننده خودرو که فرد جوانی بود به یکباره تغییر مسیر داد و وارد اتوبان تندگزیان شد که به او اعتراض کردم در همین هنگام آقایی که در صندلی عقب نشسته بود چاقوی بزرگی را از زیر صندلی در آورد، ضرباتی را با انتهای دسته چاقو به پام زد و با تهدید و فحاشی حلقه